



علی اکبر(ع) شبیه‌ترین فرد به رسول خدا/گوشه‌ای از فضائل علی بن حسین

حضرت علی اکبر(ع) در شجاعت، دلیری، ادب، علم و اخلاق شبیه‌ترین فرد به رسول الله (ص) بود و سیمای جذاب و پرشکوه و صدای ملکوتی و نافذ نبی اکرم (ص) را در اذهان زنده می‌نمود.

حضرت علی اکبر(ع) در شجاعت، دلیری، ادب، علم و اخلاق شبیه‌ترین فرد به رسول الله (ص) بود و سیمای جذاب و پرشکوه و صدای ملکوتی و نافذ نبی اکرم (ص) را در اذهان زنده می‌نمود.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه-ترکس مطوحی قمی*: به مناسبت میلاد علی ابن الحسین (ع)، بسیار نیکوست تا با اشاره اجمالی به گوشه‌ای از فضائل و مناقب وی در این فرصت مغتنم جلوه‌ای از اقیانوس وجودش را به نظاره بنشینیم.

برای دل‌های مشتاق و دارای معرفت، همین اشاره بس است که ضریح سیدو سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) _ که دل‌های عاشقان را به بند محبت کشیده است _ به واسطه قبر مطهر فرزندش، علی بن الحسین (ع) شش گوشه ساخته شده و مزار علی اکبر (ع)، تحت قبه امام حسین (ع) قرار گرفته است؛ تاکید حضرت آیت الله بهجت (اعلی الله مقامه) براین امر که ضریح جدید کما فی سابق شش گوشه ساخته شود، موید این درک و عمیقاً تأمل برانگیز است!

بنابر نقل مرحوم مقرر، حضرت علی بن الحسین (ع) ملقب به علی اکبر پسر بزرگ امام حسین، در ۱۱ شعبان سال ۳۳ هجری دو سال قبل از کشته شدن عثمان به دنیا آمدند. مادر آن حضرت لیلی، دختر ابی مرّة بن عروۀ بن مسعود ثقفی است که نقل شده است، رسول خدا (ص)، عروۀ بن مسعود ثقفی را مثل مؤمن آل یاسین و شبیه‌ترین مردم به عیسی بن مریم (س) نامیده‌اند.

علی اکبر (ع) در مدت عمر کوتاه خویش از محضر پنج امام معصوم کسب فیض نمود و سرانجام در دهم محرم سال ۶۱ قمری در واقعه عاشورا بعنوان اولین فرد از بنی هاشم اذن میدان گرفت و پس از نبردی دلیرانه به فیض نوشیدن شراب شهادت نائل گردید!

حضرت علی اکبر (ع) بنا به نقل ابوالفرج اصفهانی در کتاب مقاتل الطالبین، راوی و محدثی عظیم شأن بودند. همچنین بر اساس کتاب فرسان الهیاء که کتابی است در شرح حالات اصحاب سیدالشهداء (ع)، علی اکبر چهره‌ای با ابهت و جلال و جبروت خاصی داشتند که چون ماه تابان می‌درخشید و به زیبایی و پاکیزگی آراسته بود. چهار شانه و میانه قامت بود. رنگی روشن و به سرخی آمیخته و چشمانی سیاه و گشاده با مژه‌هایی پرمو داشت، اندامش متناسب و معتدل و سینه و شانه‌اش پهن بود.

در کتاب نهضة الحسین علامه فقید سید هبة الدین بغدادی هم نقل شده که مردم مدینه گهگاه به صورت دسته جمعی و یا انفرادی به منزل حضرت علی اکبر می‌رفتند و به شوق جد بزرگوارشان [نبی اکرم (ص)] او را زیارت می‌کردند. علی اکبر هم با رویی گشاده از آنان پذیرایی می‌نمود و وسایل مهمان نوازی را به وجه احسن تدارک می‌دید.

مع الاسف همانند بسیاری از بزرگان و چهره‌های درخشان و آسمانی تاریخ نتوانسته است، تصویر کاملی از ابعاد زندگی علی اکبر (ع) را به دست ما برساند درحالی‌که شایسته بود صدها مجلد در توصیف سیرت حضرتش نگاشته می‌شد، زیرا که امام حسین (ع) هنگام رفتن او به میدان، فرمودند: **اللهم اشهد علی هؤلاء، فقد برزَ إِلَیْهِمْ أَشْبَهُ النَّاسِ بِرَسُولِکَ مُحَمَّدٌ خَلْقًا وَ خُلُقًا وَ مَنَاطِقًا!!** خدایا! تو را بر این قوم شاهد می‌گیرم، در برابر اینها شخصی به رزم آمده که شبیه‌ترین مردم به رسول تو محمد (ص) در خلقت ظاهری و اخلاق باطنی و گفتار است.

وقتی امام معصوم که کلام وی عین صدق و حجت است چنین می‌فرماید، شایسته است همه ما برای شناخت بیشتر ابعاد شخصیت علی ابن الحسین (ع) به سیره‌ای که از حضرت رسول (ص) منقول است مراجعه نمائیم. او در شجاعت، دلیری، ادب، علم و اخلاق شبیه‌ترین فرد به رسول الله (ص) بود و سیمای جذاب و پرشکوه و صدای ملکوتی و نافذ نبی اکرم (ص) را در اذهان زنده می‌نمود!

این روحیه قوی و صفات شایسته، چنان ابهت و عظمت به علی اکبر داده بود که افزون بردوستان، دشمنان اهل بیت نیز به برتری‌هایش اعتقاد و اعتماد داشتند و اعتراف می‌کردند. روزی معاویه از اطرافیانش پرسید: "چه کسی در این زمان برای خلافت مسلمانان بر دیگران برتری دارد و برای حکمرانی بر مردم از دیگران سزاوارتر است؟" اطرافیان متملق به ستایش خلیفه پرداختند و او را لایق این منصب معرفی کردند. ولی معاویه گفت: "نه چنین نیست، اولی الناس بهذا الامر علی بن الحسین بن علی، جدّه رسول الله و فیه شجاعة بنی هاشم و سخاه بنی امیه و رهو ثقیف؛ شایسته‌ترین افراد برای امر حکومت، علی اکبر فرزند حسین است که جدّش رسول خدا است و شجاعت بنی هاشم، سخاوت بنی امیه و زیبایی قبیله ثقیف را در خود جمع کرده است."

حضرت علی اکبر (ع) در بین امامزادگان جز سه بزرگواری هستند که زیارتنامه مأثور (منقول از ائمه اطهار) درباره آنها وارد شده است. حضرت ابوالفضل العباس (ع)، حضرت معصومه (س) و علی اکبر (ع) هرکدام نه تنها به انحاء گوناگون مورد عنایت ویژه‌ای در کلام معصومین (ع) قرار گرفته‌اند بلکه زیارتنامه مخصوص نیز درباره آنها تبیین گردیده است. در ادامه

روایتی که ابوحزمه ثمالی از امام صادق (ع) درباره کیفیت زیارت امام حسین (ع) نقل کرده است، به زیارت حضرت علی اکبر نیز اشاره گردیده است و در آن، به نکاتی تاریخی درباره شهادت آن حضرت متذکر شده که در منابع تاریخی و مقاتل دیگر نیامده است؛ از جمله اینکه امام حسین (ع) شهادت علی اکبر را به حساب خدا گذاشت و خون او را با دستش به سمت آسمان پاشید که یک قطره ای هم از آن برنگشت! در قسمتی از آن زیارت، از زبان امام صادق (ع) چنین آمده است: «… پدر و مادرم فدای تو، ای سربریده و کشته بی گناه، پدر و مادرم فدای خون تو، که با آن خون به سوی حبیب خدا پر کشیدی، پدر و مادرم فدای تو، که پیش روی پدرت، روانه جنگ شدی، در حالی که او شهادت تو را به حساب خدا گذاشته و بر تو می گریست و دلش بر تو می سوخت؛ خون تو را با دستش به اوج آسمان می پاشید که قطره‌ای از آن بر زمین بازنگشت و هنگام وداع تو با پدرت، آه و ناله او لحظه ای آرام نمی گرفت. جایگاه تو و پدرت همراه نیاکان گذشته و مادران نزد خداست، و در بهشت از نعم الهی برخوردارید. من در درگاه الهی از آن کسی که تو را کشت و سرت را برید، بیزاری می جویم.»

منظره میدان رفتن علی اکبر (ع) یکی از آن مناظر بسیار پُرماجرا و عجیب است. سید بن طاووس در لُهوف می گوید: علی بن الحسین برای جنگیدن، از خیمه گاه امام حسین خارج شد. این جوان، جزو زیباترین جوانان عالم بود؛ زیبا، رشید، شجاع. از پدر اجازه گرفت که برود بجنگد؛ حضرت بدون ملاحظه اذن داد. [در مورد «قاسم بن الحسن»، حضرت اوّل اذن نمی داد، و بعد مقداری التماس کرد، تا حضرت اذن داد؛ اما «علی بن الحسین» که آمد، چون فرزند خودش است، تا اذن خواست، حضرت فرمود که برو] نگاه نومیدانه ای به این جوان کرد که به میدان می رود و دیگر برنخواهد گشت. چشمش را رها کرد و بنا کرد به اشک ریختن.

یکی از خصوصیات عاطفی دنیای اسلام همین است؛ این گریه، گریه جزع نیست؛ این همان شدّت عاطفه است، چون اسلام این عاطفه را در فرد رشد می دهد. بعد این جمله را فرمود که خدایا خودت گواه باش؛ جوانی به سمت اینها برای جنگ رفته است که «اشبه الناس خلقاً و خلقاً و منطقاً برسولک». واین گونه می فرماید: «کُنّا اذا اشتقنا الی نبیک نظرنا الیه»؛ هر وقت که دلمان برای پیامبر تنگ می شد، به این جوان نگاه می کردیم!!!

امام حسین (ع) در دوران کودکی، محبوب پیامبر بود؛ خود او هم پیامبر را بی نهایت دوست می داشت. حضرت شش، هفت ساله بود که پیامبر از دنیا رفتند. چهره پیامبر، به صورت خاطره بی زوالی در ذهن امام حسین مانده است و عشق به پیامبر در دل او هست. بعد خدای متعال، علی اکبر را به امام حسین می دهد. وقتی این جوان کمی بزرگ می شود، یا به حدّ بلوغ می رسد، حضرت می بیند که چهره، درست چهره پیامبر است؛ همان قیافه ای که این قدر به او علاقه داشت و این قدر عاشق او بود، حالا این به حدّ خودش شبیه شده است. حرف می زند، صدا شبیه صدای پیامبر است. حرف زدن، شبیه حرف زدن پیامبر است. اخلاق، شبیه اخلاق پیامبر است؛ همان بزرگواری، همان کرم و همان شرف. اما این جوان هم به میدان رفت و و جنگ بسیار شجاعانه ای کرد و عده زیادی از افراد دشمن را تارومار نمود؛ بعد برگشت و گفت تشنه ام. دوباره به طرف میدان رفت. وقتی که اظهار عطش کرد، حضرت به او فرمودند: عزیزم! یک مقدار دیگر بجنگ؛ طولی نخواهد کشید که از دست جدّت پیامبر سیراب خواهی شد. وقتی امام حسین این جمله را به علی اکبر فرمود، علی اکبر در آن لحظه آخر، صدایش بلند شد و عرض کرد: «یا ابتا علیک السّلام»؛ پدرم! خداحافظ. «هذا جدّی رسول الله یقرئک السّلام»؛ این جدم پیامبر است که به تو سلام می فرستد. «و یقول عجل القدوم علینا»؛ می گوید بیا به سمت ما…»

امروز نیز شوق عاشورایی حضرت علی اکبر (ع) جرعه جرعه در خون جوانانی از نسل سلمان فارسی جریان یافته است. جوانانی که با جذب امام عصرشان، متاع جان را برای وصال به جان آفرین در طبق اخلاص نهادند و الی بیت المقدس در جهادند!

**

تاج سری و هر نفس ما ارادت است
آقا تویی و غیر توای شاه رعیت است
روز من همیشه جوان در کنار توست
شوق شماس است این دل اگر با طراوت است
وقتی اذان مأذنه الله اکبر است
یعنی دعای همره تو استجابت است
وقتی که آمدی همه گفتند احمد است
کار امام نیت و فعلش عبادت است
باید همیشه بر قد و بالات خیره بود
در خلق و خلق بین تو و او شباهت است
رعنا ترین سلاله زهرا تویی علی
بالا بلند خانه لیلا تویی علی
*پژوهشگر حوزه تفسیر قرآن کریم و علوم اسلامی